(اصول فقه)

تعریف علم فقه: علم به عملیات استنباط حکم

* شرعی است تعریف دوم: علم فقه عبارت از علم به احکام فرعی

اسلام از روی منابع و ادله تفصیلی — یعنی مسائل فروع دین

* مشخص کردن حکم شرعی به چند روش تقسیم می شود.

۱- تعیین معلوم کردن خود حکم شرعی (ادله محرزه)

۲- مشخص کردن وظیفه عملی مکلف در قبال حکم شرعی به فرض

اینکه حکم شرعی واقعی مجهول باشد و راهی برای تعیین وجود

نداشته باشد (اصول عملی)

* ادله محرزه چیست؟ وجوب نماز واجب است در قرآن

استعمال دخانیات

* اصول عملیه چیست؟ بعد از جست و جو و نا امید شدن

① علم اصول را تعریف کنید؟ علم به عناصر مشترک در فرایند استنباط حکم شرعی

تعریف دوم: علمی است که در آن از یک سلسله قوانین و قواعد کلی

در نتیجه آن‌ها در طریق استنباط حکم شرعی واقع می شود

عناصر مشترک

ادامه ی مرحله

* مثال برای علم اصول *

۱- آیا فرو بردن سر در آب بر روزه دار حرام است؟

جواب: بله حرام است. روایات یعقوب ابن شعیب بر شخص محرم در روزه دار فرو بردن سر در آب حرام است.

۲- آیا وراثت خمس واجب است؟

جواب: خیر. روایات علی بن مهزیار در میراثی که از غیر پدر و پسر رسیده باشد خمس واجب است.

۳- آیا نماز با قهقهه باطل می شود.

جواب. باطل است. قهقهه وضو را باطل نمی کند ولی نماز را باطل می کند روایت از زراره که از امام صادق (ع) نقل شده است.

* اشخاص مورد اعتماد (ثقه) روای ها

علی بن شعیب - علی بن مهزیار - زراره

* عناصر مشترکه را نام ببرید؟

۱- حجیت ظهور عرفی
۲- حجیت خبر ثقه

* عناصر خاص را نام ببرید

- عناصر خاص حکم اول: روایت اول از حیث سند دلالت در مورد روزه
- عناصر خاص حکم دوم: روایات دوم از حیث سند دلالت در مورد حج
- عناصر خاص حکم سوم: روایات سوم از حیث سند دلالت در مورد نماز

نکته، ادله مُحرزه: آشکار شده. ادله عملیه: آیا روز جمعه نماز خوانده می شود یا نماز ظهر

نکته: منظور از کتاب همان قرآن است. قرآن - سنت - اجماع - عقل

نکته: فقه: علم به احکام شرعیه از روی ادله‌ی تفصیلیه

↓

عملی یعنی همان فروع دین

«جلسه دوم»

* موضوع علم اصول: عناصر مشترک در فرایند استنباط

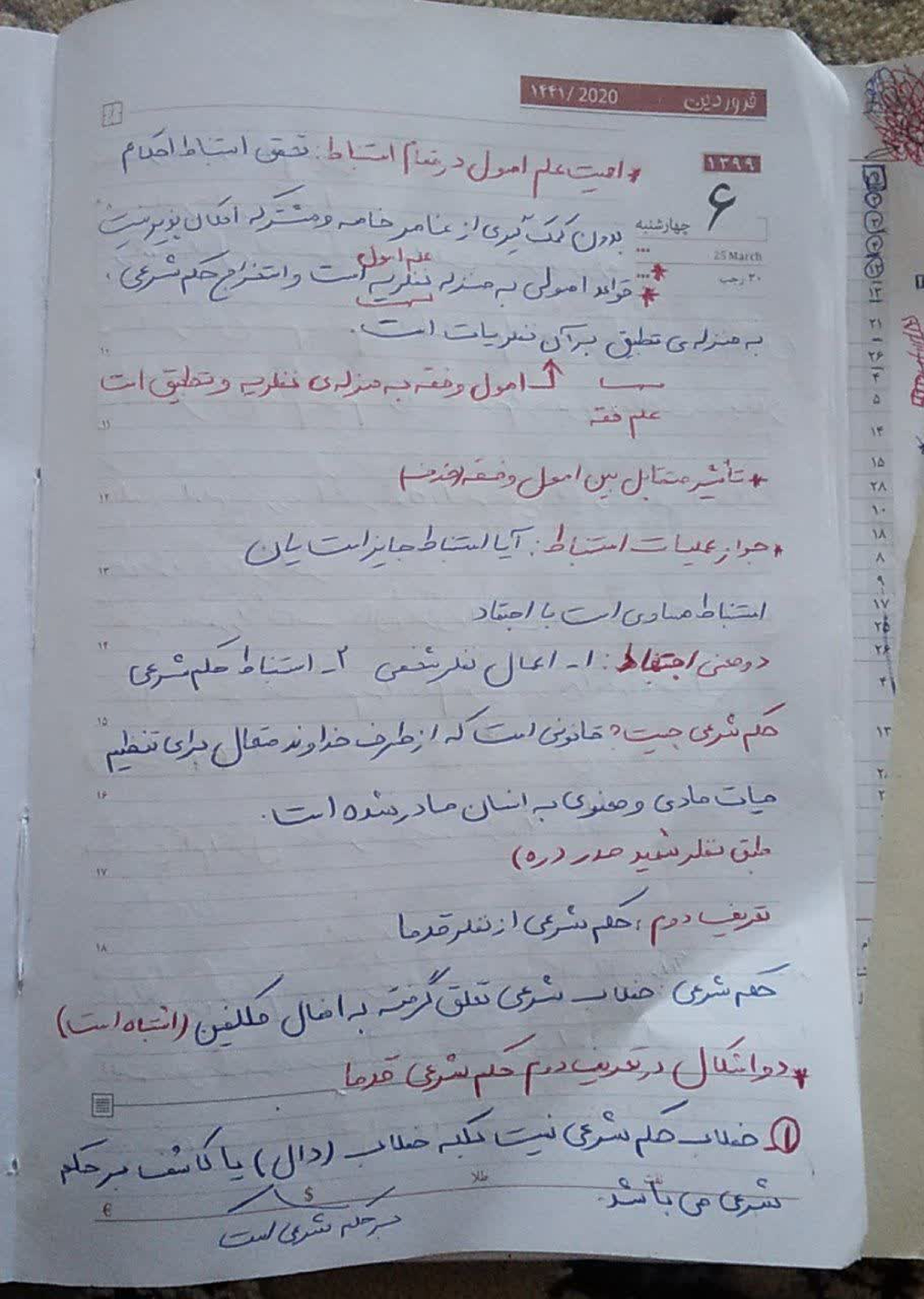
↓

طور عرضی - مشترک

علم اصول و علم منطق هر دو کیفیت صحیح استدلال را آموزش می دهد

البته منطق در همه‌ی عرصه های علمی و تفکر ولی اصول فقط در عرصه‌ی استنباط حکم شرعی است

← علم اصول منطق علم الفقه است.



* اهمیت علم اصول در مقام استنباط: تحقق استنباط احکام بدون کمک گیری از عناصر خاصه و مشترکه امکان پذیر نیست

* قواعد اصولی به منزله نظریه (علم اصول) است و استخراج حکم شرعی به منزله‌ی تطبیق بر آن نظریات است.

اصول و فقه به منزله‌ی نظریه و تطبیق است (علم فقه)

* تأثیر متقابل بین اصول و فقه (هدف)

* جواز عملیات استنباط: آیا استنباط جایز است یا ن

استنباط مساوی است با اجتهاد

دو معنی اجتهاد: ۱- اعمال نظر شخصی ۲- استنباط حکم شرعی

حکم شرعی چیست؟ قانونی است که از طرف خداوند متعال برای تنظیم حیات مادی و معنوی به انسان صادر شده است.

طبق نظر شهید صدر (ره)

تعریف دوم، حکم شرعی از نظر قدما

حکم شرعی خطاب شرعی تعلق گرفته به افعال مکلفین (اشتباه است)

* دو اشکال در تعریف دوم حکم شرعی قدما

① خطاب حکم شرعی نیست بلکه خطاب (دال) یا کاشف از حکم شرعی می باشد.

طلا $ €

خود حکم شرعی است

۱۳۹۹
۷ پنجشنبه
26 March
۱ شعبان

④ احکام شرعی همیشه به افعال مکلفین تعلق نمی‌گیرد. بلکه گاهی ارتباط به ذات مکلفین و یا به اشیاء ـ یا اشخاص دیگری که با مکلفین ارتباط دارد تعلق می‌گیرد.

مثال: افعال مکلفین ← وجوب نماز: عمل ← نماز خواندن

مثال: ذات مکلفین ← زوجیت ازدواج و محرمیت زن و مرد

مثال به اشیاء که با مکلفین ارتباط دارد.

ملکیت ← خانه خریدن که ارتباط دارد.

* حکم تکلیفی چیست؟ حکمی است که به صورت مستقیم و بدون واسطه به فعل مکلف تعلق می‌گیرد. مثل: نماز ـ وجوب ـ حرمت ـ استحباب

۸ جمعه
27 March
۲ شعبان

* حکم وضعی چیست؟ حکمی که به صورت مستقیم و بدون واسطه به فعل مکلف تعلق نمی‌گیرد. مثل: زوجیت و ملکیت ـ شرطیت ـ مانعیت

* اقسام حکم تکلیفی: ۱ـ حکم تکلیفی الزامی ۲ـ حکم تکلیفی ترخیص

حکم تکلیفی الزامی بر دو قسم است:

۱ـ یا الزام به فعل است ← واجب

۲ـ یا الزام به ترک است ← حرام: نخوردن شراب ـ نخواندن نماز

* حکم تکلیفی ترخیص پنج قسم است.

1- بهتر است انجام دهیم اگر انجام ندادیم عذاب نخواهیم شد مستحب است

2- بهتر است انجام ندهیم اگر انجام دادیم عذاب نخواهیم شد (مکروه)

3- انجام دادن یا ندادن مساوی است. مباح

طلوع نور خورشید سبب است برای نماز صبح

* مثال های حکم وضعی: شرطیت - سببیت - جزئیت - مانعیت - ملکیت - زوجیت - طهارت - نجاسات

استطاعت شرط وجوب حج باشد — مثلا افعال نماز مثل رکوع — [illegible]

* اقسام پنج گانه حکم تکلیفی را نام ببرید؟

1- یا الزام به فعل است

2- یا الزام به ترک است.

3- بهتر است انجام دهیم اگر انجام ندادیم عذاب نخواهیم شد مستحب است

4- بهتر است انجام ندهیم اگر انجام دادیم عذاب نخواهیم شد مکروه

5- انجام دادن یا ندادن مساوی است مباح

عملیات استنباط حکم شرعی با دو روش اسلوب انجام می‌شود

۱- روش مبتنی بر ادله محرزه

۲- روش مبتنی بر اصول عملیه

* ادله محرزه چیست؟ موضوع (دماییاه) عملی را مشخص می‌کند به خاطر به دست آوردن خود حکم شرعی از منابع عنصر مشترک ادله‌ی محرزه مثل حجیت خبر واحد

اصول عملیه چیست؟ موضوع عملی را مشخص می‌کند ولی این اصول حکم شرعی را مشخص نمی‌کنند در خود حکم شرعی جهل دارد. اصول عملیه خودشان عنصر مشترک هستند: مثل: استعمال دخانیات حلال است یا حرام - منابع حرام است.

ما در فقه پرسش بدون پاسخ نداریم

برائت + قبح عقاب بلا عذاب

زشت است عذاب برای بیانی که نبود.

تعریف قطع: اعتقاد جازم که در نفس قاطع با واقع مطابق است.
اعتقاد صد در صدی

* موضوع بحث در علم اصول از عناصر مشترکه است.

(عناصر خاص) مثلاً آیه یا روایتی در باب خاصی از ابواب فقه وارد شده باشد.

(عناصر مشترکه) در همه ی ابواب فقه حجت است و اختصاص به باب خاصی ندارد.

* انواع اصول عملیه

۱. استصحاب ۲. برائت ۳. احتیاط ۴. تخییر (مهم)

حجیت قطع، عنصر مشترک بین ادله محرزه و اصول عملیه است.

* منظور از حجیت قطع چیست؟

۱. معذریت. قطع من درست نبوده
۲. منجزیت. قطع من درست بوده

* دلیل حجیت قطع چیست؟ اثبات حجیت قطع به حکم عقل

بر اساس حق طاعت می باشد. خداوند دارای حق طاعت می باشد

درجه‌ی تکالیف و درجه‌ی چیزهایی که به آن علم داریم و حکم الزامی (قطع) وارد دائره حق طاعت مولا (یعنی خداوند) می‌شود.

۲

مُعَذِّریت: قطع من درست نبوده وجوب نیاز حکم در حال

غیبتا: یقین پیدا کردم که واجب و در قیامت درست نبوده (معذریت)

یقین پیدا کردم دیگه در قیامت معذورم درست بوده (منجزیت)

مثال: فلان مایع ← اگر یقین پیدا کردم آب به روز قیامت شخص

آب - شراب ... شد خطا بود خداوند مرا عذاب نمی‌کند و معذورم

(مُعَذِّریت)

ولی اگر بعدا هم شخص شد آب بوده (مُنَجِّزیت) در اینجا اگر یقین پیدا کردم شراب باید می‌خوردم چون اگر بخورم عذاب دارد.

دلیلی که حجت است بر دو قسم است

۱. دلیل شرعی: هر چیزی که به عنوان دلیل بر حکم شرعی از شارع صادر شده است مثل: قرآن - سنت - فعل - تقریر

۲. دلیل عقلی: هر قضیه‌ای عقلیه‌ای که می‌توان به وسیله‌ی آن حکم شرعی را ثابت نمود. مثل: وجوب ملازمه بین وجوب چیزی و وجوب مقدمه‌ی آن

نکته: سلب حجیت از قطع ممکن نیست.

اشکال: لازمه‌ی عدم امکان سلب حجیت قطع این است که اگر انسان از روی اشتباه قطع به جواز نوشیدن شراب پیدا کرد مولا حق ندارد او را نسبت به این اشتباه آگاه کند و قطعا این لازمه باطل است و لذا ملزوم (عدم امکان سلب حجیت قطع) باطل است

تعریف حجت: عبارت از دلیل قطعی (متواتر) یا دلیل ظنی که حجیت آن توسط دلیل قطعی ثابت شده است.

جواب: شارع می‌تواند مقدمات قطع را متزلزل کند نه حجیت قطع را

بحث عید غدیر

خبر متواتر: حکم عقل به وجوب ملازمه بین وجوب چیزی و وجوب مقدمه: مثال: وضو نماز واجب است.

↓

در نماز وضو واجب است

مستقل

توضیح درباره دلیل حجیت: خداوند دارای حق طاعت ها باشد در همه‌ی تکالیف و در همه‌ی چیزهایی که به آن علم داریم و حکم الزامی (قطع) دارد دایره حق طاعت مولا (خداوند) می‌شود.

قول: یعنی سخن پیامبر

تقریر معصوم: امضای تأیید

فعل: کارهای پیامبر

۱۳۹۹
۱۴
پنجشنبه
2 April
۸ شعبان

* در حجیت دلیل شرعی (لفظی - غیرلفظی) نیاز به ۳ امر است

۱- دلالت دلیل بر حکم:

۲- اثبات حجیت دلالت

۳- صدور دلیل از شارع !

* وضع حجیت: وضع عبارتست از قرار دادن لفظی در مقابل معانی

واختصاص لفظی به معانی: مهم

تعریف وضع در کتاب: پیوند اکید و وثیق بین لفظ و معنی به گونه‌ای

که تصور یکی سبب انتقال ذهن به تصور دیگری می شود

دلالت چگونه به وجود می آید:

۱۵
جمعه
3 April
۹ شعبان

اقتران لفظ و معنا به گونه‌ای که از علم به دال علم به

* مدلول پیدا می کنیم که لفظ را دال و معنی را مدلول می گویند

دلالت:
- عقلی: جای پا + دو دوده ← مثال دلالت در درس
- طبعی: با طبیعت بدن است
- وضعی: پرچم سیاه + نشانه عزا - علایم ایستگی و رانندگی

* چگونه لفظ سبب تصور معنا و دلالت بر آن شده

مورد اول: دلالت ذاتی: به این معنی که دلالت لفظ بر معنا ذاتی است

این نظریه درست نیست لازمه‌ی این سخن آن است که دلالت برای مدلول

مثال +

همه ی انسان اعم از عرب و غیر عرب یکی باشند در
صورتی که این گونه نیست مثل لفظ با مادر در ترکی و فرزندی
... منشا دلالات وضع و اقلح است

مورد دوم: دلالت وضعیه: یعنی منشا دلالت وضع و اقلح است
یعنی شخص یا اشخاصی در اوایل پیدایش لغات برخی از الفاظ را به معنی
از معانی اختصاص دادند. این نظریه درست است.

اشکال نظریه دوم: علاقه امری تکوینی است و جعل و قرارداد
امری اعتباری است و امر تکوینی هیچوقت با امر اعتباری ایجاد

نمی شود.

①

جواب: علاقه ی بین لفظ و معنا به واسطه ی اقتران لفظ با معنا ایجاد
شده است. حالا یا به واسطه اقتران مکرر یا اقتران واحد و با
توجه به اینکه اقتران دو شی با هم صرفا یه امر اعتباری نیست بلکه یک
امر حقیقی است و هیچ اشکالی ندارد که از این امر حقیقی علاقه سببیت
حقیقی بین لفظ و معنا ایجاد شود.

حکم: منظور از سنت چیست؟

سنت = قول + فعل + تقریر معصوم (ع)

دلیل شرعی غیر لفظی

دلیل شرعی لفظی

* علاقه از اشتراک متکلم یا اشتراک واحد حاصل می شود و این اشتراک یک امر حقیقی است.

اشتراک متکلم ← حسن - حسن باهم دوست اند و همیشه باهم بودند وقتی یکی یا زیکی از آن ها را اسمای ببینیم ذهن ما به اون یکی می ره.

وضع با استعمال چه تفاوتی دارند. مهم

۱- در رتبه وضع بر استعمال مقدم است.

۲- وضع همیشه همراه با معنای حقیقی است ولی استعمال اعم است.

مثال: اسد حیوان مفترس (درنده)   اسد: فرد شجاع

وضع معنای حقیقی   استعمال مجازی استعمال شده

لفظ (مستعمل)   معنی (مستعمل فیه)

به اراده کسی که لفظ را برای معنا در ذهن مخاطب قرار داده به آن اراده استعمالیه گفته می شود

در هر استعمالی باید لفظ و معنا باهم ملاحظه شوند با این فرق که

لفظ به صورت آلی و معنا به صورت استقلالی

اشکال: اگر لفظ به صورت آلی لحاظ شود به خودی خود محال است

زیرا مستلزم این است که شخص مستعمل همان زمان که لفظ را مورد

توجه قرار داده از آن غافل باشد و این محال است.

جواب: آلی لحاظ کردن لفظ به معنای لحاظ لفظ به خود لحاظ

انواع استعمال

است یعنی لفظ فانی در معنا است.

1- * مهم: استعمال حقیقی: استعمال لفظ در معنای موضوع له خود مثال: حیوان مفترس

2- * استعمال مجازی: استعمال لفظ در غیر معنای موضوع له با رعایت مناسبت و تناسب. مثال: اسد ← فرد شجاع

3- * استعمال غلط: استعمال لفظ در غیر معنای موضوع له بدون رعایت مناسبت: مثال: اسد ← تشبیه کردن به ساعت

تعریف تبادر: تبادر یعنی سبقت گرفتن یک معنی به ذهن در مقابل سایر معانی است اولین معنایی که به ذهن می آید تبادر است. حالا

مهم: راه تشخیص معنای حقیقی از معنای مجازی تبادر است

وضع تعیینی: به وضعی که از ابتدا با عقل واضع حاصل می شود

وضع تعیّنی: به وضعی که توسط کثرت استعمال حاصل می شود.

مثال: وضع تعیینی ← صلاة ← دعا

مثال وضع تعیّنی ← صلاة ← نماز بر اثر کثرت استعمال

اول معنی صلاه دعا بود که بعدا به خاطر کثرت استعمال معنی صلاة نماز شده.

روز ملی

مفهم

* به چه دلیل معنای حروف ربطی است.

۱ـ اگر حروف به صورت مفرد و بدون اینکه جزء جمله‌ای باشد نمی توان از آن معنای را فهمید.

۲ـ در مثال (النار فی الموقده) یک معنای ربطی در ذهن ما نقش می بندد و معنای مجزا و غیر مترتب در ذهن ما نقش نمی بندد و وجود ربط زمانی ممکن است که رابطی وجود داشته باشد.

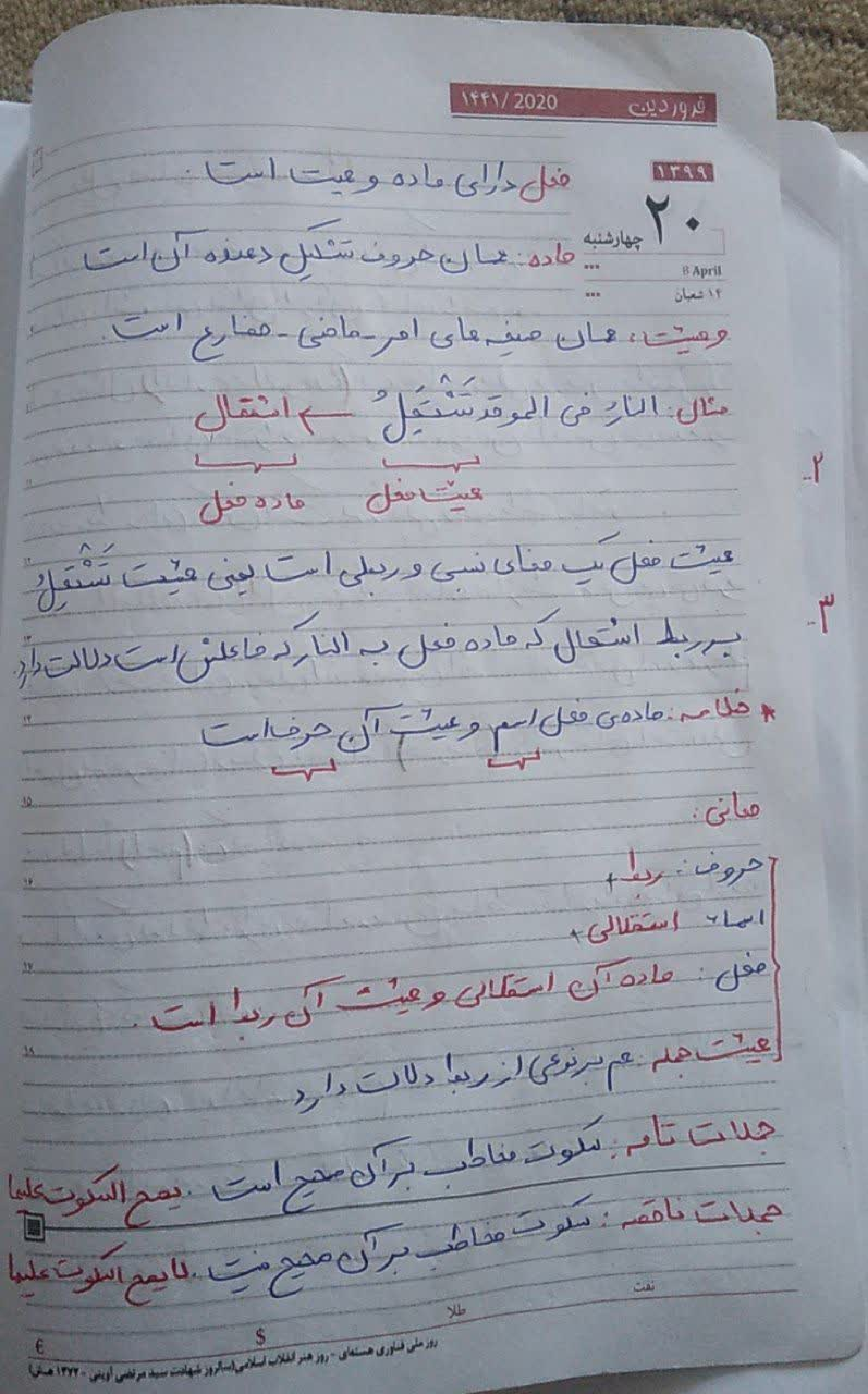
مثال: الصلاة فی اللیل ← که به معنای نماز شب ذهن پی می برد.

معنای حرفی معنای ربطی اند و معانی اسما معنای مستقل اند و در علم اصول به هر معنای ربطی اصطلاحاً (حرف) و به هر معنای استقلالی اصطلاحاً (اسم) می گویند.

* به اراده‌ی که لفظ برای معنا در ذهن مخاطب قرار داده به آن اراده‌ی استعمالیه گفته می شود

در هر استعمالی باید لفظ و معنا باهم ملاحظه شوند با این فرق که لفظ به صورت آلی هر معنا به صورت استقلالی ملاحظه می شود.

لفظ ← آلی معنی ← استقلالی



فعل دارای ماده و هیئت است.

ماده: همان حروف تشکیل دهنده آن است

هیئت: همان صیغه های امر - ماضی - مضارع است.

مثال: النارُ فی الموقدِ تَشتَعِلُ ← اشتعال

هیئت فعل — ماده فعل ۲-

هیئت فعل یک معنای نسبی و ربطی است یعنی هیئت تَشتَعِلُ

بر ربط اشتعال که ماده فعل به النار که فاعلش است دلالت دارد. ۳-

* خلاصه: ماده ی فعل اسم و هیئت آن حرف است

معانی:

حروف: ربط

اسماء: استقلالی

فعل: ماده آن استقلالی و هیئت آن ربط است.

هیئت جمله: هم برنوعی از ربط دلالت دارد

جملات تام: سکوت مخاطب بر آن صحیح است. یصح السکوت علیها

جملات ناقص: سکوت مخاطب بر آن صحیح نیست. لایصح السکوت علیها

نفت
طلا
$
€

۱۳۹۹
۲۱ پنجشنبه
9 April
۱۵ شعبان

حل تمرین شده

بر خلاف جملات تام و ناقص

حروف و هیئت جملات ناقصه بر نسبت ترکیبی (نسبت) دلالت دارد برخلاف هیئت جملات تام بر نسبت غیر ترکیبی دلالت دارد. (نسبت اسنادی)

مهم: دلالت لفظیه ← ۱. دلالت تصوری / ۲. دلالت تصدیقیه

۱- دلالت تصوری: آن است که ذهن انسان به محض شنیدن لفظ به معنای آن منتقل است اگرچه گوینده آن معنا را اراده نکرده است

۲- دلالت تصدیقیه: آن است که لفظ برای دلالت دارد که گوینده معنا را اراده کرده و مقصود او بوده است.

دلالت تصوری دلالت لفظی است (← دلالت وضعی) زیرا ناشی از وضع کلمه برای

ولادت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه (۲۵۵ هـ.ق) (تعطیل) و روز جهانی مستضعفان - شهادت امیر سپهبد علی صیاد شیرازی (۱۳۷۸ هـ.ش) - سالروز افتتاح حساب شماره ۱۰۰ به فرمان حضرت امام (رحمة الله علیه) و تأسیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۵۸ هـ.ش)

۲۲ جمعه
10 April
۱۶ شعبان

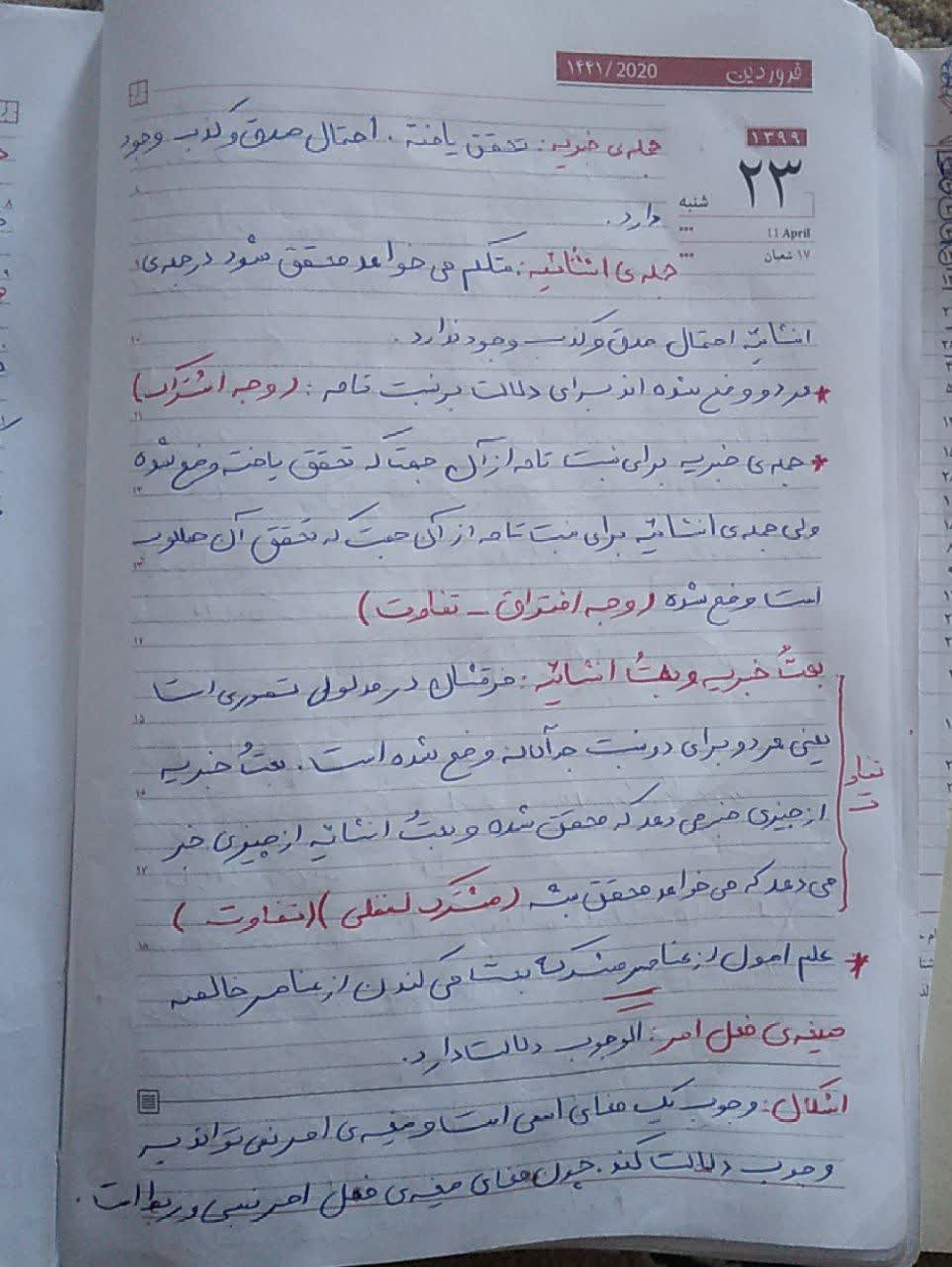
معنا باشد ولی دلالت تصدیقیه دلالت عقلی است زیرا عقل دلالت دارد که هرگاه گوینده کلامی را به کار می‌برد معنا را اراده می‌کند

*۱- دلالت تصدیقیه دو گونه است

۱ *
- هرگاه گوینده بیان معنا را اراده کند اراده‌ی او اراده‌ی استعمالی است
- و هرگاه در بیان اراده‌ی خود جدی باشد دارای اراده‌ی جدی است

دلالت تصدیقیه ۲ گونه است ← ۱. اراده‌ی استعمالی: مطلبی را از روی شوخی گفتن / ۲. اراده‌ی جدی

- در اراده تصدیقیه اراده معنا وجود دارد +
- در اراده‌ی تصوری اراده معنا وجود ندارد +



جمله‌ی خبریه: تحقق یافته. احتمال صدق و کذب وجود دارد.

جمله‌ی انشائیه: متکلم می‌خواهد محقق شود در جمله‌ی انشائیه احتمال صدق و کذب وجود ندارد.

* هر دو وضع شده اند برای دلالت بر نسبت تامه: (وجه اشتراک)

* جمله‌ی خبریه برای نسبت تامه از آن جهت که تحقق یافته وضع شده ولی جمله‌ی انشائیه برای نسبت تامه از آن جهت که تحقق آن مطلوب است وضع شده (وجه افتراق - تفاوت)

هیئت خبریه و هیئت انشائیه: فرقشان در مدلول تصوری است یعنی هر دو برای دو نسبت جداگانه وضع شده است. هیئت خبریه از چیزی خبر می‌دهد که محقق شده و هیئت انشائیه از چیزی خبر می‌دهد که می‌خواهد محقق بشه (مشترک لفظی) (تفاوت)

تفاوت

* علم اصول از عناصر مشترکه بحث می‌کنند نه از عناصر خاصه

صیغه‌ی فعل امر: الوجوب دلالت دارد.

اشکال: وجوب یک معنای اسمی است و صیغه‌ی امر نمی‌تواند بر وجوب دلالت کند. چون معنای صیغه‌ی فعل امر نسبی و ربطی است.

جواب: صیغه‌ی فعل بر نسبت دلالت دارد و افعال

صیغه‌ی امر بر نسبت ارسالیه دلالت دارد.

معنی ارسالیه (مخاطب را می‌فرستد دنبال ماده فعل) و این ارسال

یعنی از مواقع ناشی از رغبت شدید و اکید شخص امر کننده می‌باشد

که در این صورت وجوب و گاهی او مقاومت این رغبت شدید نیست

می‌شود: (استحباب) مثال: صَلِّ ← صلاة تاکید شده انجام بدیم

صیغه‌ی نهی: بر حرمت دلالت دارد. البته با نسبت امساکی

یعنی باز داشتن مخاطب از انجام ماده‌ی فعل مثال: لاتذهب

خلاصه: صیغه‌ی امر بر نسبت ارسالی به صورت الزامی وضع شده

و صیغه‌ی نهی بر نسبت امساکی به صورت الزامی وضع شده.

و دلیل هر دو تبادر است.

تعریف مطلق: لفظی است که بر معنای دلالت دارد شایع در جنس خود

می‌باشد.

تعریف مقید: در برابر لفظ مطلق است یعنی بر افراد زیادی دلالت دارد.

مثال: اکرم الجار: مطلق   مثال: اکرم الجار المسلم

ادوات عموم: آمر (امرکننده) گاهی اوقات برای

اثبات شمولیت (همه را شامل شدن) حکم به اطلاق

کلام و عدم ذکر قید اکتفا می کند. اما گاهی برای شمولیت با تاکید

بیشتری در کلام بیاورد در آن صورت از ادوات عموم استفاده می شود.

مثال: دعای ماه رمضان.

تعریف منطوق: آنچه که متکلم به آن نطق می کند.

تعریف مفهوم: آنچه از کلام متکلم مفهوم می شود ولی در کلام

نیست. مثال: اگر علی سلام کرد اکرام کن (منطوق)

اگر علی سلام نکرد اکرام نکن (مفهوم)

نکته: در ~~تعریف~~ مثال منطوق و مفهوم ادات شرط می آید (اگر، آیا)

* الفاظی که در نصوص شرعی آمده است ← در آیات و روایات

{ هم باید مدلول تصوری (وضعی) آنها مشخص شود.
هم باید مدلول تصدیقی (مراد متکلم) آنها مشخص شود. }

* برای تشخیص مراد متکلم می توان از دو ظهور استفاده کرد.

1- ظهور در علق قاعده اسبق (تبادر) 2- ظهور حال متکلم در اینکه متکلم همان را اراده کرده که لفظا در آن ظهور دارد.

① ظهور بر طبق قاعده انسباق (تبادر) ← مدلول تصوری

② ظهور حالی متکلم ← چون متکلم قرینه را نیاورده ...

ما پی به آن معنا می بریم

اصالة الظهور: یعنی متکلم همان معنای را اراده کرده که لفظ خودش خود در آن ظهور دارد. مثال: دل درد دارم ← که منظور متکلم بیماری است نه دلتنگی

مهم: دلیل بر حجیت اصالة الظهور:

{ ۱. سیره عقلاء ۲. تأیید این سیره توسط معصوم } در زمان خودشان

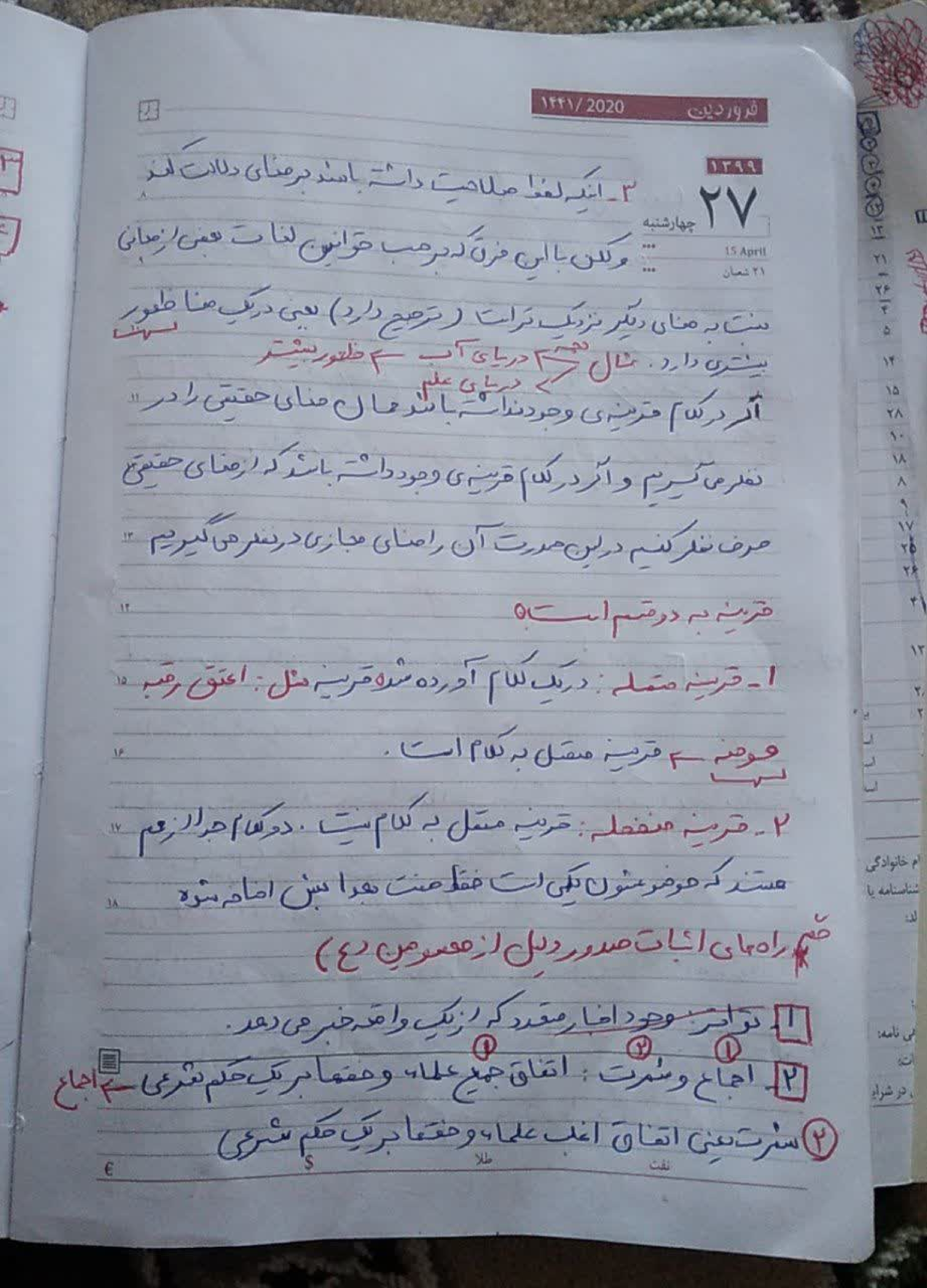
دلالت لفظ بر معنایش ۳ حالت دارد.

۱. لفظ بر حسب لغت فقط صلاحیت داشته باشد بر یک معنا دلالت کند که به آن نص یا تصریح گفته می شود.

مثال: اقیموا الصلاة: که منظور از آن نماز است.

۲. لفظ صلاحیت داشته باشد بر معانی متعددی دلالت کند و هیچ یکی از آن معانی بر معانی ترجیح نداشته باشد که به آن مجمل گفته می شود.

مثال: دست در آیه سرقت، که معلوم نیست منظور از دست کدام قسمت دست است انگشت - تا آرنج است تا مچ است. یا مشترک چند تا معنی دارد



۳- اگر لفظ صلاحیت داشته باشد در معنای دلالت کند

ولکن با این فرق که در حسب قوانین لغات بعضی از معانی

نسبت به معنای دیگر نزدیک‌تر است (ترجیح دارد) یعنی در یک معنا ظهور

بیشتری دارد. مثال ← دریای آب ← ظهور بیشتر / دریای علم

اگر در کلام قرینه‌ای وجود نداشته باشد همان معنای حقیقی را در

نظر می‌گیریم و اگر در کلام قرینه‌ای وجود داشته باشد که از معنای حقیقی

صرف نظر کنیم در این صورت آن را معنای مجازی در نظر می‌گیریم

قرینه بر دو قسم است:

۱- قرینه متصله: در یک کلام آورده شده قرینه مثل: اعتق رقبه

مومنه ← قرینه متصل به کلام است.

۲- قرینه منفصله: قرینه متصل به کلام نیست. دو کلام جدا از هم

هستند که موضوعشون یکی است فقط صفت بعداً بش اضافه شده

مهم راه‌های اثبات صدور دلیل از معصومین (ع)

[1] تواتر: وجود اخبار متعدد که از یک واقعه خبر می‌دهد.

[2] اجماع و شهرت: اتفاق جمیع علماء و فقها بر یک حکم شرعی ← اجماع

(۲) شهرت یعنی اتفاق اغلب علماء و فقها بر یک حکم شرعی

۱۳۹۹
۲۸ پنجشنبه
16 April
۲۲ شعبان

۳- سیره‌ی متشرعه: کسانی که مقید به شرع مقدس هستند.

۴- خبر واحد: یعنی که خبری که متواتر نباشد.

* ادله حجیت خبر واحد: (ثقه) مهم

۱- سیره عقلاء ۲- سیره متشرعه ۳- آیه‌ی نبأ

آیه نبأ: یا ایها الذین آمنوا ان جاءکم فاسق بنبأ فتبینوا.

یعنی مفهوم آیه این می شود که اگر عادل برایتان خبری آورد تحقیق

نیاز نیست * دلالت آیه نبأ بر حجیت واحد را بنویسید؟

سنت: قول - فعل - تقریر معصوم (ع)

دلیل شرعی لفظی — دلیل شرعی غیر لفظی

۲۹ جمعه
17 April
۲۳ شعبان

تعریف فعل: انجام دادن یک فعل توسط معصوم دلالت بر جواز

آن فعل می کند. و ترک یک فعل توسط معصوم دلالت بر عدم وجوب

آن فعل دارد و هنگامی که معصوم فعل را به قصد قربت و اطاعت

خداوند انجام دهد دلالت بر مطلوبیت آن فعل دارد.

واجب یا مستحب

تقریر: سکوت تأییدی = سکوت امضائی.

۱۳۹۹
۳۰
شنبه
18 April
۲۴ شعبان

* تشریع وحالت دارد.
عملی - یا فعلی را انجام دادن
① تأسی یک تصرف شخصی وجزیی در یک واقعه‌ی معین است. ② تأسی هم یک تصرف کلی ونوعی است.
عملی یا فعلی را انجام دادن

① مثال: انجام دادن مسح سر از پایین به بالا
② مثال: سیره عقلا در عمل کردن به خبر واحد ثقه.

* فرق سیره عقلا با سیره متشرعه: سیره عقلا نیاز به تایید وامضا معصوم دارد ولی سیره متشرعه نیاز تایید معصوم ندارد

* انواع علاقه‌های عقلی را بنویسید؟

۱_ علاقه تضاد: سیاهی وسفید

۲_ تلازم: علاقه سبب ومسبب. طلوع خورشید ← روز موجود است

۳_ علاقه تقدم و تأخر (رتبی)

* انواع علاقه‌ی های عقلی در باب احکام را بنویسید؟

۱_ علاقه بین یک حکم و حکم دیگر است (علاقه تضاد) بین وجوب و حرمت

۲_ علاقه بین یک حکم و موضوعش است

۳- علاقه بین یک حکم و متعلقش است

۴- علاقه‌ی بین یک حکم و مقدماتش است

۵- علاقه داخلی یک حکم و امرات.

مثال ۱) (علاقه تضاد): بین وجوب و حرمت: تحقق می‌گوید اجتماع ضدان (دو تا ضد هم) محال است یعنی شود یک فعل واحد هم واجب باشد هم حرام باشد.

سوال: اگر فعلی از حیث وجود واحد باشد ولی دو عنوان در آن صادق باشد آیا امکان ثبوت دو حکم متضاد یعنی وجوب و حرمت برای شئ مذکور وجود دارد یا ن. مثل نماز خواندن در جای غصبی

وضو با آب غصبی

وجوب / حرمت / وجوب / حرمت

پاسخ: در این جا دو نظریه است

نظریه‌ی اول: جایز است وضو از جهت عنوان وضو متصف به وجوب شود و از جهت عنوان غصب متصف به حرمت شود چون عنوان‌ها متعدد است (دو عنوان وضو و غصب) اجتماع دو حکم متضاد اشکالی ندارد.

نظریه‌ی دوم: چون وجود خارجی واحد است تعدد عنوان برای ثبوت دو حکم متضاد کفایت نمی‌کند.

سوال ۲ آیا ملاک تعدد وجود است یا تعدد عنوان؟
یعنی دو عمل باشند

جواب: اگر ملاک تعدد وجود باشد ثبوت دو حکم متضاد یعنی اجتماع امر و نهی در یک عمل جایز نیست ولی اگر ملاک تعدد عنوان باشد اجتماع امر و نهی جایز است.

* اجتماع امر و نهی در تعدد وجود جایز نیست
* ولی در تعدد عنوان اجتماع امر و نهی جایز است

سوال: آیا حرمت مستلزم بطلان است؟
نهی

جواب: در عبادات نهی مستلزم بطلان است
در معاملات نهی مستلزم بطلان نیست
غیر عبادات

عبادات حتماً باید قربة الی الله باشد.

* هر حکم شرعی دارای دو مرحله است:

۱- مرتبه ی جعل: جعل حکم به معنای تشریع آن از جانب خداوند است.

۲- مرتبه ی فعلیت: به معنای ثبوت فعلی آن در حق این مکلف می باشد

مثل: وجوب حج تشریع حج آمده یعنی وجوب حج آمده میشه جعل حکم
در موقع مکلف استطاعت داشته باشد به فعلیت می رسد.

موضوع حکم: اموری که فعلیت حکم متوقف بر آن است

موضوع حکم می‌گویند. مثل (ایشان وجوب روزه) ~~~

مسافر نباشد - مریض نباشد.

* علاقه‌ی بین حکم و موضوعش مانند علاقه‌ی بین مسبب و سببش است

همانطور که مسبب متوقف بر سبب است حکم نیز متوقف بر موضوعش است

تا سبب نباشد مسبب نیست ایضاًً تا استطاعت نباشد حج نیست

* علاقه‌ی بین حکم و مقدماتش: مقدماتی که وجود واجب متوقف بر آنها

است بر دو قسم است ۱- قسم اول: مقدماتی که وجود واجب متوقف بر آن

است لکن اینکه به صورت شرط در موضوع اخذ شده باشد

۲- قسم دوم: مقدماتی که وجود واجب متوقف بر آنها است ولی به صورت شرط

در موضوع اخذ نشده باشد. وجوب واجب مثل حج ۱- مثال

استطاعت: در موضوع اخذ شده است

وجوب حج

طی مسافت: در موضوع اخذ نشده است

اخذ: یعنی جا گرفته مثلا این استطاعت باید حتماً باشد تا حج بشه

لغت طلا
تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۵۸ هش) - سالروز اعلام انقلاب فرهنگی (۱۳۵۹ هش)

در اصطلاح به قسم اول مقدمه‌ی واجب می‌گویند ولی

به قسم دوم مقدمه‌ی وجوب می‌گویند واجب یکی از احکام

تکلیفی است مثل مباح و مکروه. برای تبدیل واجب به وجوب استطاعت

لازم است واجب بر گردن ما آمده

مقدمه بودن

تحصیل مقدمه در کدام یک از دو مقدمه واجبه و استطاعت یا طی مسافت؟

* تحصیل مقدمه در قسم اول عقلاً واجب و لازم است (طی مسافت)

* تحصیل در مقدمه دوم استطاعت تحصیل مقدمه بر مکلف واجب نیست (استطاعت)

علامت در داخل حکم واحد:

وجوب گاهی به شیء واحد که مرکب از اجزا است تعلق می‌گیرد نماز (رکن) ...

در اصطلاح به وجوب واحد که به مرکب واحد تعلق گرفته وجوب نفسی

استقلالی گفته می‌شود و به وجوب‌هایی که برای هر یک از اجزا می‌باشد

وجوب نفسی ضمنی می‌گویند. مثلاً: وجوب نفسی استقلالی: نماز

اجزا ارکان نماز: مثل سجده، نیت، رکوع: وجوب نفسی ضمنی است

لازمه‌ی ضمنی بودن این است که هر زمان یکی از وجوب‌های ضمنی

بخاطر تعذر جزء، ساقط شوند لازم است اگر وجوب
واجد استقلالی نیز ساقط شوند و به تبع آن بقیه
وجوب های ضمنی ساقط شوند.

* ظنی که معتبر حکم شرعی است ۳ حالت دارد.

۱. یا قطع به حکم شرعی دارد ← شارع گفته معتبره
۲. یا ظن به حکم شرعی دارد ← ظنون معتبره (گمان) خبر واحد ثقه / ظنون غیرمعتبره
۳. یا شک به حکم شرعی دارد. اگر غیرمعتبر باشد ملحق به شک حساب میشود

تعریف اصول عملیه: اصول عملیه وظیفه عملی مکلف را در مقابل حکم
مشکوک یا مجهول مشخص می کند. مثل: دعن میت کافر

استعمال دخانیات: آیا استعمال دخانیات حرام است یا نه؟ شک می کنیم

اصل اولی در مورد شک (حکم عقل)

اصل ثانوی در مورد شک: (حکم شرع)

یعنی عقل می گوید چیزی بر گردن من نیست اگر

* دو رویکرد در حکم عقل

۱. برائت عقلی یا قبح عقاب بلا بیان ۱ (مشهور) ۲ صدری ها
۲. احتیاط عقلی: چون خداوند خالق و منعم است بر ما حق طاعت دارد و حق
طاعت شامل تکالیف مشکوک هم می شود.

① یعنی ذمه مکلف نسبت به تکلیف مشغول نیست

و در صورت مخالفت عقابی ندارد و چیزی بر دوشش نیست

قسم ① حکم شرع در مورد شک در تکلیف برائت است. ۲ دلیل

ادله‌ی شرعیه بر اثبات برائت را بنویسید؟

ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا ← بیان

① ما عذاب کننده نبودیم تا اینکه رسولی را بفرستیم.

منظور از رسول بیان است آوردن رسول برای ذکر مصداقی از مصادیق

بیان است آیه دلالت دارد بر اینکه در صورت عدم بیان عقابی نیست

ما لا یعلمون: پیامبر می‌فرماید: از امت من آنچه را نمی‌دانند برداشته

② شده یعنی عقاب از آنها برداشته شده که همان برائت می‌شود.

۱- شبهه تحریمیه: احتمال حرمت وجود دارد مثل: استعمال دخانیات

۲- شبهه وجوبیه: احتمال وجوب وجود دارد. مثلاً نماز جمعه واجب است یا نه

۳- شبهه حکمیه: در اصل جعل و تشریع شک وجود دارد.

۴- شبهه موضوعیه: در اصل جعل و تشریع شک وجود ندارد بلکه در موضوع آن شک وجود دارد. مثلاً ← در استعمال [illegible]

علم اجمالی در مقابل علم تفصیلی است.

* گاهی ما علم و یقین به نماز صبح داریم (علم تفصیلی)

* در مورد نماز جمعه یا در روز جمعه علم به وجوب نماز ظهر یا نماز جمعه داریم اما یقین یکی از آن ها مشکوک است (علم اجمالی)

* گاهی در اصل وجوب شک داریم (شک بدوی) در این شک همه قائل به برائت هستند. برائت

تعریف استصحاب: ابقاء ماکان: عمل بر طبق حالت سابقه یقینی هنگام شک در بقاء آن.

دلیل: لا تنقض الیقین ابداً بالشک.

یقین به وضو ← شک　　　یقین در نجاست ← شک

یقین سابق ← شک لاحق

علم تفصیلی: مثلاً: ۱۰ تا ظرف است و من میدونم دقیقاً ظرف ۷ و ۸ نجسه علم تفصیلی می شود

علم اجمالی: ۱۰ تا ظرف است و من میدانیم دو تا از ظرف ها نجسه اما نمی دانم کدام ها نجس اند علم اجمالی می شود.

مقدار منجزیت علم اجمالی:

① علم به لحاظ جامع: می دانیم و علم داریم ①

② شک به تعداد اطراف علم اجمالی: ②

مثال: نماز جمعه یا نماز ظهر، علم به نجاست داریم ولی نمی دانیم کدام نجس ①

علم به وجوب نماز داریم ولی نمی دانیم کدام واجب

② در مورد اول دو مورده ـ در مورد دوم سه مورده ۳ تا ظرف

① موافقت قطعیه: مثلاً در مورد اول هر دو نماز را بخواند در مورد دوم هم سه تا ظرف را هم نجس بداند.

② مخالفت قطعیه: مثلا در مورد اول هیچ کدام را نخواند در مورد دوم هر سه را مصرف کند

③ موافقت احتمالیه: در مورد اول یکی از نمازها را بخواند یکی ~~از ظرفها~~ را مصرف کنم

④ مخالفت احتمالیه: یکی از ظرف ها را مصرف کنم

در مورد علم اجمالی قاعده ی احتیاط جاری می شود.

* انحلال علم اجمالی: به علم تفصیلی و شک بدوی

علم اجمالی از بین می رود و به علم تفصیلی یا شک بدوی

تبدیل می شود. مثال: من مقیدم که دو تا نماز واجب

انواع استصحاب:

۱. استصحاب حکمی: عبارت از آنکه حکم قضیه ای مورد شک قرار

گیرد در حالیکه سابقا آن حکم مسلم و قطعی بوده است.

مثلا: وجوب. وجوب حکم است انفاق بر پدر و مادر توسط فرزندان

مثل: الان شک اقتصادی پیدا کند یعنی وقتی که فرزندی عاجز شود

۲. استصحاب موضوعی: عبارت از آنکه موضوع قضیه ای مورد تردید

و استصحاب قرار گیرد. مثال حیات زید: الان ۵-۴ ماه که ندیدیم الان

می گوییم آن که زنده است استصحاب حیات زید را جاری می کنیم

۳. استصحاب در مقتضی: گاهی در اصل قابلیت بقاء شیء سابق برای

مدت طولانی شک حاصل شود: مثال: شک داریم روز باقی است یا باقی

نیست ۴ میوه بعد از اینکه عمرش خراب شده یا نه چند روز قابلیت دارد باقی

بماند.

۴ استصحاب در اصول: گاهی یقین داریم به اینکه شیء متیقن سابق قابلیت بقا دارد ولی در عارض شدن شک داریم مثال: طهارت آب شاید کثیف شد ولی نجس نمی‌شود آب حتی چند سال هم بماند نجس نمی‌شود اول پاک بوده.

مقومات استصحاب: حتما باید در استصحاب باشد.

۱. یقین سابق — عدالت من که یقین داشتم

۲. شک لاحق — شک دارم

۳. متعلق یقین و شک واحد باشد. الان در عدالت من شک دارم

۴. فعلیت داشتن یقین و شک: یعنی موجود و واقعا چیزی باشد

یعنی الان